



## اگر آوینی انقلابی نبود



حسام آبنوس

دبیر قفسه

🔗 سالگرد و همایش برگزار کردن و پاسداشت گرفتن و تقدیر از يك عمر فعالیت يك چهره فرهنگی یکی از برنامه‌های مرسوم است که معمولاً در سیستم فرهنگی کشور برای برخی چهره‌ها برگزار می‌شود. این راحت‌ترین کاری است که زحمتی ندارد و می‌توان گزارش کاری با آن ارائه و خود را به يك چهره نزدیک کرد و از آن بهره برد. البته برای چهره‌هایی که زمان زیادی از وفات آنها نمی‌گذرد برگزاری چنین بزرگداشت‌هایی طبیعی است، اما برای چهره‌هایی که سال‌ها از فقدان آنها می‌گذرد کارهایی سوای برنامه‌هایی از جنس پاسداشت و بزرگداشت نیاز است.

شهید سیدمرتضی آوینی یکی از آن چهره‌هایی است که هر ساله در سالروز شهادتش بزرگداشت‌های متعددی برایش برگزار می‌شود و خاطراتی از او نقل می‌شود و از جایگاه فکری، هنری و فرهنگی سید شهیدان اهل قلم سخن رانده می‌شود. به تعبیری در طول سال همواره از نام این شهید به نفع «هنر انقلاب» خرج می‌شود، اما کمتر کسی است که در طول این ربع قرن پس از شهادتش به این فکر افتاده باشد تا اثری مکتوب در بازخوانی آرا و اندیشه‌های او داشته باشد.

نهادهای فرهنگی که از بودجه‌های بالایی با عنوان هنر انقلاب اسلامی بهره می‌برند نیز در این عرصه کمتر فعالیتی داشته‌اند تا به تبیین این جایگاه بپردازند. یعنی بعد از گذشت ۲۵ سال از شهادت سیدمرتضی آوینی، غیر از آثار به‌جا مانده از این شخصیت فرهنگی، که نسلی از فعالان فرهنگی و هنری و امدار آرا و اندیشه‌های او هستند، اثری تبیینی و تحلیلی در بررسی افکار این شهید عرصه فرهنگ منتشر نشده است. سرمایه‌گذاری برای تالیف چنین آثاری در حد صفر است و نهادهای انقلابی عرصه فرهنگ، احتمالاً نه تنها پاسخی برای این مسأله ندارند، بلکه با توجیه‌هایی باورنکردنی کم‌کاری خود را اپوشانی خواهند کرد.

آیا لازم است که در این مورد نیز مانند نمونه‌های دیگر (از جمله امام خمینی (ره) یا شهید بهشتی) باز هم رهبر انقلاب تذکر دهند تا مدیران فرهنگی به فکر تولید اثری بیفتند تا در دیدار بعدی با ایشان ارائه کنند؟ یعنی این نگاه در مدیران فرهنگی وجود ندارد که پیش از تذکر و یادآوری رهبر انقلاب، خودشان دست به کار شوند و آثاری با هدف معرفی آرا و اندیشه‌های شهید آوینی و امثال او تولید کنند؟ این در حالی است که اگر سیدمرتضی آوینی گرایش‌های روشن انقلابی نداشت بی‌شک جناح شبه‌روشنفکر تاکتونی او را نیز مانند بسیاری از چهره‌های هنر انقلاب مصادره می‌کرد، ولی از آنجا که آوینی چهره‌ای کاملاً انقلابی با گرایش‌های دینی و ضد استکباری است، آنها دست به چنین کاری نزده‌اند. آیا آوینی برای این روزهای هنر انقلاب کارکردی ندارد و تنها عکس یادگاری گرفتن با او کافی است؟



چند خاطره از سید شهیدان اهل قلم

## فهم ترمیناتور با فلسفه و عرفان!

تأکید بیشتر تکرار کردند. ما ناچار شدیم بگوییم سید مرتضی. آقا فرمودند: «این متون شاهکار ادبی است و من آن قدر هنگام شنیدن و دیدن برنامه لذت می‌برم که قابل وصف نیست.»

## 🔗 فریاد بر سر سازندگان يك فيلم به خاطر توهين به مقدسات

احتمالاً زمستان سال ۶۸ بود که در تالار اندیشه فیلمی را نمایش دادند که اجازه اکران از وزارت ارشاد نگرفته بود. سالن پُر بود از هنرمندان، فیلمسازان، نویسندگان و... در جایی از فیلم آگاهانه یا ناآگاهانه، داشت به حضرت زهرا(س) بی‌ادبی می‌شد. من این را فهمیدم. لابد دیگران هم همین‌طور، ولی همه لال شدیم و دم برنیاوردیم. با جهان‌بینی روشنفکری خودمان قضیه را حل کردیم. طرف هنرمند بزرگی است و حتماً منظوری دارد و انتقاد است بر فرهنگ مردم، اما يك نفر نتوانست ساکت بنشیند و داد زد: «خدا لعنت کند! چرا داری توهین می‌کنی؟! همه سرها به سویی برگشت در ردیف‌های وسط آقایی بود چهل و چند ساله با سیمایی بسیار جذاب و نورانی. کلاهی مشکی بر سرش بود و اورکتی سبز برتنش. از بغل دستی‌ام (سعید رنجبر) پرسیدم: آقا را می‌شناسی؟ گفت: سیدمرتضی آوینی است.

## 🔗 برای فهم ترمیناتور باید فلسفه و عرفان بدانی

آن زمان، فیلم «ترمیناتور ۲» تازه آمده بود و واقعا به آن به عنوان يك فیلم سینمایی نگاه نمی‌کردند. يك مصداق بارز سینمای هالیوودی است. پای فیلم تقریباً دو و نیم‌ساعته می‌نشینی، فکر می‌کنی ۴۰ دقیقه نشسته‌ای. ریتم آن چنانی و بازی آن چنانی. این را به عنوان شاخص سینما معرفی می‌کردند. می‌گفتند اگر می‌خواهی همین را بفهمی، باید فلسفه بخوانی، باید امام را بشناسی. باید عرفان یاد بگیری، مقوله‌های عرفانی را بفهمی و نقد کنی. بفهمی ارزش‌های آن کجاهاست و سطح ارزش آن تا کجااست.

## 🔗 وضو بگیر و بنویس، می‌رسانند!

پرسیدم آقا سید این متن‌ها را چطور می‌نویسی؟ از کجا می‌آید؟ گفت: «اگر دوست داری برای شهدا بنویسی وضو بگیر، دو رکعت نماز بخوان، سلام را که دادی بنشین به نوشتن. می‌رسانند به آدم.»

🔗 کتاب «شهید فرهنگ» خاطراتی کوتاه از اطرافیان و نزدیکان شهید سید مرتضی آوینی است که انتشارات دفتر نشر معارف آن را منتشر کرده است. در این مطلب چند خاطره را با هم مرور می‌کنیم تا تفاوت‌های رویکرد و برخورد‌های آوینی در مواجهه با مسائل مختلف را ببینیم.

## 🔗 مستندی که دادهاشمی را درآورد

پس از ساخت «مستند» «بشاگرد» که بسیار نیز مؤثر واقع شد، آقای رفسنجانی، رئیس وقت مجلس، گفت که «چرا از بدبختی و مصیبت حرف می‌زنید؟ پس این هنرمندان تلویزیون چه کاری انجام می‌دهند؟ در جهت این انقلاب چه کاری می‌کنید؟ فقط بدبختی، فقر و فلاکت را می‌گویید!» این حرف‌ها حاصل چند اثر ساخته مرتضی در سال ۶۱ بود، مانند «هفت قصه از بلوچستان» و «بشاگرد». توانست جامعه را تکان دهد... شاید در این مقطع، به نظر مرتضی در جنگ اتفاقاتی نمی‌افتاد که لازم باشد از آن فیلم ساخته شود... اکنون شاید موضوع عجیب و غریبی نباشد، اما آن زمان، بشاگرد جامعه را بسیار تکان داد.

## 🔗 ماجرای ترك سیکار

چند سال از انقلاب گذشته بود که مرتضی سیکارش را ترك کرد. دلیلی که برای این کار ذکر کرد این بود که آقا امام زمان (عج) در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار ما هستند. در این صورت من چطور می‌توانم در حضور ایشان سیکار بکشم؟ این گونه بود که دیگر هرگز لب به سیکار نزد. در مورد هر آدم سیکاری این احتمال، هر چند ناچیز وجود دارد که روزی دوباره سیکار بکشد، ولی در مورد آقا مرتضی این امر کاملاً غیر ممکن بود؛ چون اراده‌اش از اراده حق ناشی می‌شد.

## 🔗 دیدار خصوصی با رهبر انقلاب درباره روایت فتح

اوایل سال ۶۶ پس از شهادت تعدادی از همکاران مان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار داشتیم. ایشان در این دیدار خصوصی حدود يك ساعت درباره برنامه روایت فتح صحبت کردند و بیش از هر چیز روی متن برنامه‌ها تأکید فرمودند. بعد از ما پرسیدند: نویسنده این برنامه کیست؟ شهید مرتضی آوینی کنار من نشسته بود. از قبل به ما سپرده بود درباره او صحبت نکنیم. ما سعی کردیم از پاسخ به پرسش آقا طفره برویم، اما آقا سؤال را با



يك نفر نتوانست

ساكت بنشيند و

داد زد: «خدا لعنت

کند! چرا داری توهين

می‌کنی؟!» همه سرها

به سويش برگشت

در ردیف‌های وسط

آقایی بود چهل و چند

ساله با سیمایی بسیار

جذاب و نورانی